

بحران مالکیت خانه اندیشمندان علوم انسانی
و چرایی درهم تنیدگی آن با سیاست شهری؛
خانه‌ای برای تفکر، جدالی برای بقا

ده سال تعویق برای یک ضرورت انسانی: چرا؟!؛

لایحه‌ای که خاک می‌خورد، خون می‌ریزد



رئیس سازمان اطلاعات سپاه: نفوذ وزارت اطلاعات در ساختار اسرائیل شاهکار است



العظمی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) مسئلت داریم. حجت‌الاسلام و المسلمین سیداسماعیل خطیب وزیر اطلاعات روز گذشته اعلام کرد: سربازان گمنام امام زمان (عج) موفق شدند به یک گنجینه اطلاعاتی، عملیاتی و راهبردی رژیم صهیونیستی دست یابند که این اسناد به داخل کشور منتقل شده است.

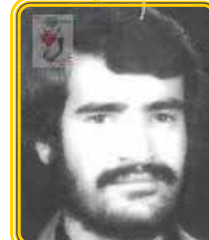
صهیونیستی‌شد. کاظمی افزود: بی‌شک خبرگان اطلاعاتی دنیا معترفند که نفوذ در ساختارهای اطلاعاتی رژیم غاصب در جغرافیای بسیار محدود، سراسر امنیتی و مجهز به تجهیزات گوناگون حفاظتی آن با سردمدارانی که بودجه‌های نامحدود هزینه می‌کنند تا امنیتشان را غیرقابل خدشه نشان دهند؛ قطعاً یک شاهکار اطلاعاتی است.

این‌جانب و همکاران شما در جامعه اطلاعاتی سپاه، ضمن تحسین، قدردانی و تبریک به جنابعالی و همکاران عزیزتان در مجموعه هوشیار و مجاهد وزارت اطلاعات، توفیقات روزافزون در صیانت از کیان جمهوری اسلامی ایران را در ظلّ توجهات حضرت ولی‌عصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) و رهبری‌های داهیه‌انه حضرت آیت‌الله

کاظمی افزود: مجاهدت سربازان گمنام امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) در آن نهاد انقلابی با دستیابی به اطلاعات حساس و حیاتی رژیم صهیونیستی که تحت حمایت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عظیم آمریکا قرار دارد؛ نه تنها اقتدار مصنوعی این رژیم منحوس را فرو ریخت، که کارآمدی شیطان بزرگ به عنوان حامی تام آن رژیم کودک‌کش و حافظ منافع و امنیت آنها را به چالش کشید. وی ادامه داد: از سوی دیگر این عملیات ظریف اطلاعاتی، توانمندی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران را در پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، وارد ساختن ضربه به دشمنان قسم خورده ایران و تأمین امنیت مردم عزیزمان به منصف ظهور رساند و سند دیگری بر ضعف و زبونی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم سفاک

رئیس سازمان اطلاعات سپاه در پیامی با تبریک به وزیر اطلاعات و مجاهدان گمنام موفقیت در ورود ضربه سنگین و استثنایی اطلاعاتی به رژیم صهیونیستی، نفوذ در ساختار اسرائیل را شاهکار عنوان کرد. در پی موفقیت سربازان گمنام امام زمان در وزارت اطلاعات و ضربه سنگین و استثنایی به رژیم صهیونیستی، سردار محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه در پیامی، این موفقیت را به وزیر اطلاعات و مجاهدان گمنام این مجموعه تبریک گفت. وی اضافه کرد: خداوند بزرگ را شاکریم که هم‌زمان دلاورمان در وزارت اطلاعات، زخم غیرقابل ترمیم دیگری را بر پیکره منحوس رژیم صهیونی وارد آوردند که دشمن زبون و ضعیف را حتی یارای پاسخ یا تکذیب نیست.

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید اسحق متولی» که ۱۶ آبان ۶۲ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سرمقاله

ضرورت رأی اعتماد فوری به وزیر پیشنهادی؛

مجلس، اقتصاد را از بلاتکلیفی نجات دهد

مهدی صالحی

در روزگاری که اقتصاد ایران در سرایشی نوسان، نااطمینانی و مهاجرت سرمایه دستوپا می‌زند، نداشتن وزیر در رأس یکی از کلیدی‌ترین وزارتخانه‌های کشور، نه فقط یک خلأ اداری، که علامتی خطرناک برای بازار، فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران است. اکنون که بیش از سه ماه از سال ۱۴۰۴ می‌گذرد، وزارت امور اقتصادی و دارایی همچنان بدون سکندار است، آن هم در سالی که شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» بر تارک آن نشسته و قرار است فرماندهی سیاست‌های مالی و سرمایه‌های کشور، نقشی محوری در تحقق آن ایفا کند.

در این میان، نماینده کرمان و عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، شهپاز حسن‌پور بیگلری، با تأکید بر اهمیت وزارت اقتصاد و ضرورت رأی اعتماد سریع به گزینه پیشنهادی دولت، سیدعلی مدنی‌زاده، به درستی بر لزوم همگرایی دولت و مجلس برای خروج از تعلیق و بلاتکلیفی تأکید کرده است. از نظر او، ادامه تعویق در تعیین وزیر، به معنای عقب‌ماندگی از اهداف اقتصادی سال جاری و تأخیر در اجرای برنامه‌های اصلاحی است.

مدنی‌زاده چهره‌ای دانشگاهی، دارای پیشینه پژوهشی در اقتصاد و آشنا با ساختارهای اقتصادی کشور است. اگرچه برخی منتقدان فقدان تجربه اجرایی او در دستگاه‌های اقتصادی را گوشزد کرده‌اند، اما نمایندگان مانند حسن‌پور معتقدند این انتخاب با دقت و وسواس دکتر پزشکیان انجام شده و ظرفیت هماهنگی او با تیم اقتصادی دولت وجود دارد. این نکته به‌ویژه در شرایطی مهم است که دولت نیازمند انسجام در سیاست‌گذاری و گریز از پراکندگی در تصمیمات مالی، ارزی، بانکی و سرمایه‌گذاری است. از سوی دیگر، باید از نمایندگان مجلس پرسید که تعلل بیشتر در رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی، چه سودی برای کشور دارد؟ آیا وقت آن نرسیده که رقابت‌های سیاسی و محاسبات جناحی، جای خود را به دغدغه‌های واقعی معیشت مردم و پایداری اقتصادی دهد؟ بی‌تردید، استمرار این تعلیق، به معنای اختلال در مسیر تصویب و اجرای سیاست‌های کلیدی اقتصادی است. نبود وزیر، معادل با غیبت اراده اجرایی در تعامل با نهادهای بین‌المللی، بلاتکلیفی در حوزه نظارت بر بازارهای مالی، و توقف در اصلاحات بانکی است.

در این شرایط، همکاری میان دولت و مجلس نه یک لطف متقابل، بلکه ضرورتی ساختاری و الزام عقلانی است. سیاست اقتصادی به‌ویژه در بحران‌های متراکم، نیازمند مدیریت متمرکز، اعتماد متقابل نهادهای حاکمیتی، و پرهیز از سیاسی‌کاری‌های فرساینده است. رأی مثبت و سریع به مدنی‌زاده می‌تواند نشانه‌ای از آغاز این رویکرد جدید باشد؛ مسیری که اگر با شجاعت و برنامه‌مندی طی شود، شاید بتواند کمی از بی‌اعتمادی عمومی و سرگردانی بخش خصوصی را جبران کند. فراموش نکنیم که اقتصاد منتظر نمی‌ماند. تأخیر بیشتر، نه علامت عقلانیت که نشانه بی‌عملی است.

نمایندگان مجلس به دیدار رهبر انقلاب می‌روند

«عباس گودرزی» سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی- از دیدار نمایندگان با رهبر معظم انقلاب در چهارشنبه هفته جاری خبر داد و گفت: نمایندگان مجلس به مناسبت آغاز اجلاسیه دوم دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی، روز چهارشنبه ۲۱ خردادماه با رهبر معظم انقلاب دیدار خواهند کرد.

سخنگوی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: این دیدار طبق سنوات گذشته هر ساله از سوی رهبر معظم انقلاب پس از انتخابات هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود و نمایندگان مجلس از رهنمودهای رهبری بهره‌مند خواهند شد.

دنیای سوادار

سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۳۱

رویداد

حرف اول

بحران مالکیت خانه‌اندیشمندان علوم انسانی و چرایی درهم‌تنیدگی آن با سیاست شهری؛

خانهای برای تفکر، جدالی برای بقا

مهرداد تیموری

در میانه شلوغی‌های سیاست‌ورزی روزمره، گاهی صدای خفه‌ای از جایی بلند می‌شود که نه فریاد اعتراض است و نه غوغای رسانه‌ای؛ صدای خانه‌ای‌ست که قرار بود مأمن فکر باشد اما حالا، محل منازعه‌ای است میان یک نهاد علمی و شهرداری تهران. خانه اندیشمندان علوم انسانی، ساختمانی فرهنگی در قلب تهران، بار دیگر در معرض تهدید تخلیه قرار گرفته است؛ و این‌بار، نه تنها فکری در آن شنیده نمی‌شود، که صدای پای مأموران اجرائیات، دیالوگ اصلی آن را تشکیل داده است.

خبر ساده است: به‌دنبال اختلاف بر سر مالکیت ملک، شهرداری تهران حکم تخلیه این مجموعه را پیگیری کرده و مأموران اجرائیات برای اجرای آن اقدام کرده‌اند. در واکنش، سخنگوی دولت از دخالت رئیس‌جمهور برای حل بحران خبر داده و وعده حمایت داده است. اما آنچه در ظاهر یک اختلاف حقوقی میان نهاد شهرداری و یک مجموعه فرهنگی به‌نظر می‌رسد، در عمق، حامل چند پرسش اساسی است: چرا نهادهایی چون خانه اندیشمندان این‌چنین بی‌پناه‌اند؟ و آیا در جامعه‌ای که فکر و گفت‌وگو هنوز نیازمند مجوز است، اصلاً جایی برای اندیشیدن باقی می‌ماند؟

خانه‌ای بی‌صاحب در هیاهوی مالکیت‌ها

خانه اندیشمندان علوم انسانی از زمان تأسیس خود، بستری بوده برای برگزاری نشست‌های علمی، جلسات آزاداندیشی، گفت‌وگوهای نظری و نقدهای فرهنگی. از دانشجویان و استادان گرفته تا فعالان اجتماعی و اندیشمندان مستقل، بسیاری این مکان را به‌عنوان یکی از معدود فضاهای زنده مانده برای تأمل و تبادل اندیشه می‌شناختند؛ اما حالا نزاع بر سر مالکیت آن، هم امنیت فیزیکی این فضا را تهدید کرده و هم نوعی بی‌ثباتی و اضطراب را به زیست فکری جاری در آن تزریق کرده است. تجربه‌های مشابه در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که نهادهای فرهنگی در ایران، همواره در برابر موج‌های پرشتاب سیاست‌زدگی، نگاه‌های ابزاری و مداخلات سازمانی، کم‌دفاع و شکننده بوده‌اند.

وقتی شهر به فکر اندیشیدن پشت می‌کند

شهرداری تهران در این ماجرا، صرفاً به‌عنوان یک نهاد اجرایی ظاهر شده است؛ نهادهی که به استناد یک سند یا حکم، خواستار بازپس‌گیری ملک از مجموعه‌ای فکری است. اما مسئله دقیقاً همین‌جاست: چرا در سیستم مدیریت شهری، نهاد اندیشه و فرهنگ، به‌مثابه یک متغیر فرعی و حاشیه‌ای تلقی می‌شود؟ چرا شهری با ادعای «هوشمند شدن» و «پایتخت فرهنگی جهان اسلام» هنوز نتوانسته الگویی پایدار برای زیست فکری تولید کند؟ سیاست شهری در ایران، به‌ویژه در تهران، سال‌هاست که درگیر سوداگری زمین، فروش تراکم، و منازعه‌های پایان‌ناپذیر میان نهادهاست؛ و در این میان، فرهنگ و اندیشه اغلب در حاشیه مانده‌اند. این تقابل میان ساخت‌وساز و اندیشیدن، تنها یک نمونه از ناسازگاری عمیق‌تر در اولویت‌بندی‌های سیاست عمومی است.

مداخله دولت: وعده‌ای دیگر یا نقطه عطف؟

دستور رئیس‌جمهور برای حمایت از خانه اندیشمندان، به‌ظاهر اقدامی مثبت و امیدبخش است. سخنگوی دولت می‌گوید «جریان آزاد فکر و اندیشه» در دستور حمایت است. اما تردید در این وعده‌ها، بی‌علت نیست. چرا که مشابه همین وعده‌ها بارها درباره نهادهای دیگر داده شده و در عمل یا به بایگانی سپرده شده‌اند، یا در میانه ملاحظات اداری، بی‌اثر مانده‌اند. برای اینکه این دستور، صرفاً یک ژست حمایتی باقی نماند، نیاز است که به سرعت سازوکاری قانونی و اجرایی برای تثبیت مالکیت و حمایت مالی، نهادی و معنوی از خانه اندیشمندان طراحی شود. همچنین، مشارکت جامعه علمی و دانشگاهی، از طریق کمپین‌ها، نامه‌های سرگشاده و مطالبه‌گری مدنی، می‌تواند این خواسته را به یک مطالبه اجتماعی تبدیل کند.

مسئله خانه اندیشمندان، تنها مسئله یک ساختمان نیست. پرسش اصلی، نوع نگاه حاکمیت و مدیریت شهری به نهادهای فکری و عمومی است. آیا نهادهای فکری تنها تا زمانی مطلوب‌اند که در راستای نگاه رسمی حرکت کنند؟ و آیا استقلال فکری، هنوز در ایران یک مطالبه مشروع است یا تهدیدی بالقوه تلقی می‌شود؟

«کمیته بین‌المللی شکستن محاصره غزه»: اسرائیل «جنایتکار جنگی» است



قهرمان ادامه دهید تا اسرائیل را برای آزادی فوری آن‌ها تحت فشار قرار دهید».

کمیته مذکور همچنین خواستار آماده‌سازی کشتی‌های امدادی بیشتر در سراسر جهان و ارسال آن‌ها به فلسطینی‌های گرسنه در نوار محاصره شده غزه شد.

این کمیته در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «کشتی‌های بیشتری در سراسر جهان تدارک ببینید. اگر یک کشتی را توقیف کردند، ۱۰۰ کشتی دیگر پشت سر آن ارسال می‌شود. اگر ۱۲ نفر را به اسارت گرفتند، هزاران نفر شورش خواهند کرد».

نیروی دریایی رژیم صهیونیستی صبح امروز در اقدامی متجاوزانه، کشتی همبستگی مادلین وابسته به «ناو آزادی» را که از ایتالیا حرکت کرده و

کمیته بین‌المللی شکستن محاصره غزه خواستار اعمال فشار بر رژیم صهیونیستی برای آزادی فعالان حاضر در کشتی همبستگی «مادلین» شد و رژیم صهیونیستی را «جنایتکار جنگی» خواند.

در پی توقیف این کشتی همبستگی توسط نیروهای دریایی رژیم صهیونیستی در آب‌های بین‌المللی، کمیته بین‌المللی شکستن محاصره غزه امروز دوشنبه رژیم صهیونیستی را «رژیمی جنایتکار جنگی» توصیف کرد و در شبکه اجتماعی ایکس از فعالان در سراسر جهان خواست از ۱۲ سرنشین کشتی مادلین حمایت کنند که صبح امروز توسط رژیم صهیونیستی بازداشت شدند.

این کمیته در پست خود نوشت: «به نوشتن، انتشار و به اشتراک گذاشتن مطالب در مورد دوازه

با هدف امدادرسانی به مردم غزه در حال حرکت به سمت غزه بود، در آب‌های بین‌المللی توقیف کرده و فعالان حاضر در آن را بازداشت کرد.

جاده قزلحصار پاکسازی شد/گامی برای ایجاد محیط زیست مطلوب

معاون محیط زیست و خدمات شهری شهرداری کرج، گفت: به مناسبت هفته محیط زیست و با شعار «محیط زیست مطلوب، تعهد مسئولان، همراهی مردم» جاده قزلحصار کرج طی یک طرح جامع پاکسازی و زباله‌های موجود در آن جمع‌آوری شد. وی اظهار کرد: آلودگی حاشیه جاده قزلحصار همیشه یکی از دغدغه‌های اصلی محیط زیستی شهر بود که با همت شهرداری کرج و اداره محیط زیست شهرستان مرتفع شد. دقیقان افزود: تمام تلاش خادمان در شهرداری کرج بر ارتقاء کیفیت محیط زیست شهری است. این مهم با همکاری و مشارکت همه‌جانبه‌ها و همه آحاد مردم در پاکسازی و حفاظت از محیط زیست میسر خواهد شد.



۳ در شهر

دنیای سوادادار

سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۳۱

نگاه

به همت پارلمان شهری:

جشن بزرگ عید غدیر در خیابان شهید بهشتی برگزار می شود



نایب رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر کرج، خواستار ترویج فرهنگ، زوایای غدیر و ولایت‌پذیری در جشن کیلومتری غدیر شد. نایب رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر کرج در هفتاد و هفتمین جلسه کمیسیون فرهنگی، از عید غدیر به عنوان مهمترین عید مومنین نام برد و گفت: واقعه غدیر خم، نقش سرنوشت سازی در تعیین مسیر آینده اسلام داشت و دارد به طوری که همه مصائبی که در تاریخ به آل الله وارد شد به دلیل نادیده گرفتن واقعه غدیر خم است.

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی شورای اسلامی شهر کرج در خصوص برپایی جشن بزرگ کیلومتری حد فاصل چهارراه شهید طالقانی - گلشهر در روز عید غدیر اظهار کرد: تکریم مهمترین عید اهل تشیع باید به نحو احسن صورت گیرد و اثر آن در

شهر هویدا و ترویج فرهنگ و زوایای غدیر و ولایت پذیری سرلوحه کارهای فرهنگی قرار گیرد و صرفاً یک جشن پذیرایی نباشد. علیرضا رحیمی با بیان اینکه توجه به محلات پایین دور از مرکز شهر و کمتر برخوردار باید با تدبیر

مدیریت شهری مورد حمایت قرار گیرند بیان داشت: تمام برنامه های ویژه عید غدیر نباید صرفاً در یک روز باشد، باید برنامه ریزی بصورتی صورت گیرد که این جشن بزرگ در محلات و شهر در روزهای منتهی به برنامه اصلی روز غدیر انجام شود.

زوم تمرکز بر مدیریت هزینه و ترویج فرهنگ غدیر در جشن‌های دهه ولایت

برنامه‌ها تأکید کرد و گفت: فرهنگ غدیر باید به درستی ترویج شود و مردم باید با عمق این واقعه آشنا شوند.

رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای کرج همچنین پیشنهاد داد که این جشن‌ها به صورت محله‌ای برگزار شود تا مشارکت مردم افزایش یابد و فضای معنوی و سرور اعیاد در محلات ایجاد شود. چپرداز همچنین بر استفاده از امکانات موجود در مناطق شهرداری و شهرداران مناطق در برگزاری مراسم تأکید کرد و افزود: این جشن‌ها باید با مشارکت مردم در همکاری شهرداری و به بهترین شکل ممکن برگزار شود.

وی خاطرنشان کرد: ایستگاه‌ها باید در نقاط مختلف شهر جانمایی شوند تا از ترافیک و مشکلات تردد جلوگیری به عمل آید و شرایط مناسبی برای حضور شهروندان فراهم گردد. به گفته چپرداز این جشن‌ها علاوه بر تقویت فرهنگ دینی و شعائر مذهبی، به فرصتی برای ارتقای همبستگی اجتماعی در کرج می‌انجامد.



مناسبت دهه کرامت و امامت با تأکید بر اهمیت مدیریت هزینه‌ها در این جشن‌ها اظهار کرد: مدیران مناطق دهگانه باید محور اجرایی جشن محلات باشند. از این رو لازم است هر منطقه ۱۱ جشن محله‌ای و در مجموع ۱۱۰ جشن در شهر برگزار شود. وی همچنین بر لزوم ترویج فرهنگ غدیر در این

رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای اسلامی شهر کرج ضمن حمایت از طرح برگزاری ۱۱۰ جشن محله‌ای به مناسبت دهه کرامت و امامت، بر لزوم مدیریت موثر هزینه‌ها و همچنین ترویج فرهنگ غدیر با استفاده از امکانات شهرداری تأکید کرد. جواد چپرداز در بررسی نامه پیشنهادی سازمان فرهنگی در خصوص برگزاری ۱۱۰ جشن محله‌ای به

زوم تمرکز بر مدیریت هزینه و ترویج فرهنگ غدیر در جشن‌های دهه ولایت



گرامیداشت ایام مبارک عید غدیر سبب ایجاد فضایی نشاط‌آور در جامعه خواهد شد. سعیدی سیرایی اذعان کرد: برنامه‌ریزی دقیق و هماهنگی با سایر دستگاه‌ها برای بهتر اجرا شدن جشن‌ها ضروری است.

رئیس کمیسیون فرهنگی شورای کرج بر اهمیت مشارکت مردمی در برگزاری این جشن‌ها تأکید کرد و گفت: چنین رویدادهایی می‌توانند فرصتی برای ترویج اخلاق، فرهنگ همدلی و همکاری میان شهروندان باشند.

وی اذعان کرد: برگزاری این جشن‌ها علاوه بر تقویت ارتباطات اجتماعی، به ترویج فرهنگ غنی اسلامی و دینی بین اقشار مختلف جامعه کمک خواهد کرد.

رئیس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شورای اسلامی شهر کرج از برگزاری ۱۱۰ جشن محله‌ای به مناسبت عید غدیر و دهه کرامت و ولایت خبر داد و بر لزوم همبستگی اجتماعی در جامعه تأکید کرد. حسین سعیدی سیرایی، در هفتاد و هفتمین جلسه کمیسیون فرهنگی شورای شهر کرج که با حضور اعضا و رئیس سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری کرج برگزار شد با اشاره به اهمیت جشن‌های مذهبی، از پیشنهاد برگزاری ۱۱۰ جشن محله‌ای به مناسبت عید غدیر و دهه کرامت و ولایت در مناطق ده‌گانه خبر داد.

وی این اقدام را فرصتی برای تقویت روابط اجتماعی میان شهروندان و ترویج مفاهیم دینی و فرهنگی در سطح محله‌ها دانست و افزود: این جشن‌ها علاوه بر

مکث

روایتی از هویت شهری؛

قلعه صمصام، فرصتی تازه

یا رؤیایی نیمه‌کاره؟

یاسمن یزدانی

در هیاهوی شتاب‌زده توسعه شهری و برج‌هایی که بی‌تأمل سرپوش می‌آورند، گاه باید ایستاد و به گذشته نگاه کرد. نگاه نه از سر نوشتاری، که از سر بازخوانی و مسئولیت. طرح احیای محدوده تاریخی قلعه صمصام در کرج، که این روزها در قالب جلساتی مشترک میان شهرداری و اداره کل میراث فرهنگی استان کلید خورده، از همین جنس لحظه‌هاست. لحظه‌هایی که در آن‌ها امکان بازپویاند با هویت شهری و میراث فرهنگی مهیا می‌شود، اگر اراده‌ای باشد و انسجامی.

قلعه صمصام، با پیشینه‌ای کهن و موقعیتی استراتژیک در مجاورت پل تاریخی گل‌دختر، سال‌هاست که از نگاه مسئولان و حتی شهروندان کرجی دور مانده. نه چون کم‌ارزش است، بلکه چون روایت آن در میان اخبار برج‌سازی، آزادراه‌سازی و مرکز خریدسازی گم شده است. در بهترین حالت، محدوده روبه‌روی پل و قلعه، فضایی متروک و بی‌کارکرد تلقی می‌شود که حالا قرار است «پیشخوان فرهنگی» شهر شود. اما آیا این صرفاً بازتعریف واژگانی است یا آغاز یک دگرگونی جدی در سیاست‌گذاری شهری؟

رینگ تاریخی یا دایره ابهام؟

طبق اظهارات مرجان جوادیان، رئیس اداره سیمما و منظر شهرداری کرج، طرح احیای قلعه بخشی از پروژه‌های بزرگ‌تر با عنوان «رینگ تاریخی شهر» است؛ ایده‌ای که بر محور پیوند میان لک‌های تاریخی و بازآفرینی پیاده‌راه‌های متصل‌کننده استوار شده است. در تئوری، این طرح می‌تواند به احیای حافظه تاریخی شهر، بهبود کیفیت فضای عمومی و رونق گردشگری کمک کند. اما در عمل، تجربه‌های مشابه در دیگر شهرهای ایران نشان می‌دهد که پروژه‌های با عنوان‌های فاخر، در نبود برنامه‌ریزی اجرایی دقیق، بودجه مستمر و ضمانت‌های حقوقی، اغلب نیمه‌کاره، نامنجم یا درگیر تعارض‌های نهادی باقی می‌مانند.

آن‌طور که از خبرها برمی‌آید، تفاهنامه‌ای میان شهرداری کرج و اداره کل میراث فرهنگی البرز در حال تنظیم است تا «هم‌افزایی» نهادهای را تضمین کند. اما این واژه کلیشه‌ای، زمانی ارزش واقعی می‌یابد که بتواند بر چالش‌های جدی‌ای همچون مالکیت زمین، تأمین اعتبار، مقاومت‌سازی بناهای تاریخی، تعیین حریم منظر و مداخله مردم غلبه کند. در غیر این صورت، سرنوشت این تفاهم نیز چیزی نخواهد بود جز پرونده‌ای در بایگانی‌ها.

گردشگری پایدار یا فست‌فیوئل موقتی؟

جوادیان در سخنان خود بر هدف‌گذاری پروژه در جهت «گردشگری پایدار» تأکید کرده است. اما مفهوم پایداری، بیش از آنکه یک شعار باشد، نیازمند فهمی پیچیده از بوم‌سازگان شهری، مشارکت اجتماعی، عدالت فضایی و پیوسته‌های فرهنگی-اقتصادی است. پرسش کلیدی اینجاست که آیا قرار است قلعه صمصام به نقطه‌ای برای تعامل مردم با تاریخشان بدل شود یا صرفاً لوکیشنی برای اجرای مراسم‌های فصلی، چراغانی‌های مقطعی و تبلیغات شهری باقی‌ماند؟

یکی از ایده‌های جذاب این طرح، تعریف پیاده‌راهی میان قلعه صمصام، پل تاریخی گل‌دختر و پارک رود است؛ شبکه‌ای فرهنگی-زیست‌محیطی که اگر درست اجرا شود، می‌تواند به شریان جدیدی برای تنفس شهر بدل شود. اما اگر صرفاً در حد سنگ‌فرش کردن معابر یا نصب تابلوهای اطلاعاتی باقی بماند، نه تنها کمکی به بازآفرینی هویت تاریخی نمی‌کند، بلکه خود به شکلی از تزیین بی‌روح بدل خواهد شد.

مردم کجای طرح‌اند؟

نکته‌ای که در اغلب پروژه‌های مشابه فراموش می‌شود، حضور مردم به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی است. هیچ طرح احیایی بدون مشارکت، آموزش و آگاهی عمومی، ماندگار نخواهد بود. آیا ساکنان مجاور قلعه، فروشندگان اطراف پل، یا هنرمندان محلی، در فرایند طراحی و اجرا حضور خواهند داشت یا قرار است طرح، از بالا به پایین، پشت درهای بسته اتاق‌های اداری طراحی و به مردم تحمیل شود؟ این‌بار، تاریخ منظر ما نمی‌ماند؛ این ماییم که باید به سمتش گام برداریم.

رفع ناترازی‌های کشور با جدیت پیگیری می‌شود

گزارش بسته اجرایی «تحول نظام بانکی و رفع ناترازی نظام بانکی» و همچنین «رفع ناترازی بودجه» در چارچوب برنامه هفتم پیشرفت در سیزدهمین جلسه شورای عالی راهبری برنامه هفتم پیشرفت ارائه شد. محمدرضا عارف صبح گذشته در سیزدهمین جلسه شورای عالی راهبری برنامه هفتم پیشرفت با اشاره به برنامه‌ها و تلاش‌های بانک مرکزی و سازمان برنامه و بودجه در راستای «تحول نظام بانکی و رفع ناترازی نظام بانکی» و همچنین «رفع ناترازی بودجه» ذیل برنامه هفتم پیشرفت تاکید کرد: برنامه اصلاحات ساختاری اقتصادی دولت و همچنین برنامه‌های رفع ناترازی‌های کشور در حوزه های مالی، اقتصادی و انرژی و سایر زمینه‌ها در کنار قانون برنامه هفتم پیشرفت با جدیت پیگیری می‌شود.

در این جلسه برنامه عملیاتی پیشنهادی بانک مرکزی در حوزه تنظیم گری و نظارت در چارچوب بسته اجرایی تحول نظام بانکی و رفع ناترازی نظام بانکی در سال ۱۴۰۴ در قالب برنامه هفتم پیشرفت ارائه، بحث و تصمیم‌گیری شد که اصلاح ساختار مالی موسسات اعتباری دولتی و غیردولتی، اصلاح ساختار ترازنامه شبکه بانکی از طریق واگذاری دارایی‌های مازاد، رفع ناترازی نقدینگی شبکه بانکی، اصلاح ساختار سهامدار موسسات اعتباری، نظارت کامل و فراگیر موسسات اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیر متشکل دولتی، رفع ناترازی درآمد و هزینه در خصوص بانک‌ها و مؤسسات ناتراز و افزایش شفافیت در گزارشگری مالی بانک‌ها از جمله اقدامات بانک مرکزی در سال جاری در چهارچوب این برنامه عملیاتی خواهد بود.

در ادامه این جلسه که روسای سازمان برنامه و بودجه، بانک مرکزی و اداری و استخدامی، وزاری دادگستری، ارتباطات و فناوری اطلاعات و فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیر هیئت دولت، سخنگوی دولت، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی و مسئولان دستگاه‌های مرتبط حضور داشتند، سازمان برنامه و بودجه گزارش بسته اجرایی «رفع ناترازی بودجه» در چارچوب برنامه رفع ناترازی‌های اقتصاد کلان قانون برنامه هفتم پیشرفت را ارائه کرد که اعضای این جلسه در خصوص خطوط راهنمای سیاستی برنامه‌های رفع ناترازی بودجه در این گزارش بحث، تبادل نظر و تصمیم‌گیری کردند.



تنظیم ۷۳ هزار قرارداد یکسان از سوی مشاورین املاک

«سیدصادق سعادتیان» معاون امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور- از تنظیم بیش از ۷۳ هزار قرارداد یکسان از سوی مشاورین املاک خبرداد و گفت: این آمار نشان‌دهنده عزم جامعه مشاورین در مسیر اجرای قانون است. تا کنون ۷۳ هزار و ۳۵۴ قرارداد یکسان در کشور تنظیم شده است. در استان تهران ۱۳ هزار و ۳۵۴ قرارداد یکسان تنظیم شده است. پس از تهران، استان‌های گیلان، آذربایجان شرقی، اصفهان و خوزستان در رده‌های بعدی قرار دارند. سعادتیان با بیان اینکه بیش از ۵۵۲ هزار پیش‌نویس قرارداد توسط مشاورین املاک ارسال شده است، گفت: این آمار نشان‌دهنده عزم جامعه مشاورین املاک و کانون سردفتران برای حرکت در مسیر اجرای قانون است. با این حال، همچنان نیاز به پیشروی و بهبود عملکرد در این زمینه وجود دارد.

سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۳۱

دنیای سوادار

جمعه

داستان جلد

ده سال تعویق برای یک ضرورت انسانی: چرا؟!

لایحه‌ای که خاک می‌خورد، خون می‌ریزد

محمد کاظم بکاءالدین نیاسری

ده سال. ده سال سکوت، غفلت و سیاست‌زدگی. لایحه مقابله با خشونت علیه زنان، که قرار بود مانعی قانونی و ساختاری در برابر خشونت‌های روزمره، خانگی، سیستماتیک و پنهان علیه زنان در وضعیت فعلی باشد، حالا به شمایی از خود ناتوانی خانه ملت بدل شده است: سندی نا نوشته از مسئولیتی که فراموش شد، و قربانیانی که بی‌پناه‌تر از همیشه، فقط دیده می‌شوند وقتی مرده‌اند.

آنچه نوشته نشد؛ آنچه نادیده گرفته شد

پیش‌نویس اولیه لایحه مقابله با خشونت علیه زنان در دولت دهم تدوین شد. از همان ابتدا هم آشکار بود که این لایحه قرار نیست به‌احتی تصویب شود. حساسیت‌های ایدئولوژیک، نگاه مردسالار ساختار قدرت، و ترس از تغییر معادلات جنسیتی، راه را بر هرگونه اجماع بست. در طول این سال‌ها، لایحه در پیچ‌وخم‌های کمیسیون‌ها، نظارت‌های شرعی، و واژگان دست‌کاری‌شده گیر افتاد. هر دولتی وعده‌اش را داد، اما هیچ‌کس مسئولیت نهایی‌اش را نپذیرفت. ابراهیم نکو، نماینده ادوار مجلس، در گفت‌وگوی اخیر خود از تعلل سیاسی و جناحی و همین‌طور فقدان نمایندگی موثر زنان در ساختار قدرت سخن گفته: از گره‌زدن بی‌پایه لایحه به سند ۲۰۳۰ و از سوءاستفاده از مفاهیم دینی برای توجیه نابرابری‌های قانونی و خشونت‌های عادی‌شده. این نگاه‌ها، در واقع نه ناشی از دغدغه‌های دینی، که بیشتر برخاسته از هراسی سیاسی هستند: ترس از برهم خوردن ساختار کنترل و انقیاد.

خشونت، فقط مشت و لگد نیست

وقتی از خشونت علیه زنان سخن می‌گوییم، باید محدوده معنایی آن را گسترش دهیم. این خشونت، تنها به ضرب‌وشتم همسریا سیدپاشی خیابانی محدود نمی‌شود؛ بلکه شبکه‌ای است پیچیده از تبعیض‌های قانونی، محدودیت‌های اجتماعی، تبعیض شغلی، توهین‌های رسانه‌ای، برخوردهای گشت ارشاد، بی‌عدالتی در رسیدگی قضایی، و نگاه‌های خُرد و کلان فرهنگی که زن را همواره در مقام مطیع، مقصر یا ناتمام می‌بیند. عدم تصویب این لایحه در چنین بستری، تنها یک خلأ قانونی نیست، بلکه چراغ سبزی است برای تداوم خشونت. جامعه‌ای که در آن هیچ اراده‌ای برای محافظت از زنان در برابر خشونت وجود ندارد، خشونت را قانون‌مند می‌کند. این همان جایی است که سیاست به خشونت بدل می‌شود، و بی‌عملی، خودش یک عمل جنایت‌بار است.

پیامدهای اجتماعی تأخیر

در این ده سال، فقط خشونت‌ها بیشتر نشده‌اند؛ شکل‌های

آن پیچیده‌تر شده است. از قتل‌های ناموسی در خوزستان تا تجاوزهای پنهان در نهادهای کاری؛ جامعه‌ای که در آن زنان قربانی‌اند، اما هیچ سازوکار پشتیبانی برای آن‌ها وجود ندارد، دیر یا زود به نقطه انفجار می‌رسد. ابراهیم نکو به‌دستی اشاره کرده که خشونت علیه زنان، اثراتی گاه فراتر از فجایع عمومی مثل سقوط هواپیما دارد، زیرا این خشونت‌ها «احساسات عمومی» را جریحه‌دار می‌کنند. در واقع، جامعه نسبت به این نوع خشونت، بیش از پیش حساس شده، اما همزمان درمانده نیز شده است. وقتی نظام قانون‌گذاری به ندای جامعه بی‌اعتناست، بی‌اعتمادی و سرخوردگی افزایش می‌یابد. یکی از مشکلات بنیادین در برخورد با خشونت علیه زنان در ایران، آن است که هیچ نهاد مشخصی مسئولیت جامع این حوزه را برعهده ندارد. وزارت کشور؟ قوه قضائیه؟ سازمان تبلیغات اسلامی؟ وزارت ارشاد؟ بهزیستی؟ هیچ‌کدام به‌تنهایی قادر به ارائه چارچوبی کامل برای پیشگیری، برخورد، توان‌بخشی، و آموزش در حوزه خشونت نیستند. این پراکندگی وظایف، در نبود قانون بالادستی چون «لایحه مقابله با خشونت علیه زنان»، به بی‌عملی دامن زده است.

نکو هشدار داده که برخی صاحبان تربیون، به‌جای تسکین جراحات اجتماعی، بر آن نمک می‌پاشند. نمونه‌اش قتل‌های اخیر است که برخی رسانه‌ها کوشیدند آن را به حجاب یا بی‌حجابی قربانیان پیوند بزنند. این نعتن‌ها فرافکنی است، بلکه خشونت ثانویه‌ای است که علیه قربانیان اعمال می‌شود: مرگ زن، آغاز «محاکمه زن مرده» است. رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های رسمی و صداوسیما، به جای روایت‌گری دقیق و آموزش اجتماعی، در بسیاری موارد خود به تربیونی برای بازتولید کلیشه‌های زن‌ستیز بدل شده‌اند. اگر رسانه بخواهد بخشی از راحل باشد، باید نخست از این چرخه خارج شود.

پیشنهاد لایحه آزمایشی: چاره‌ای میانه‌رو یا عقب‌نشینی؟

پیشنهاد نکو مبنی بر تصویب یک لایحه آزمایشی برای یک یا دو سال، پیشنهادی واقع‌گرایانه به‌نظر می‌رسد. در شرایطی که مقاومت سیاسی در برابر لایحه کامل زیاد است، نسخه‌ای آزمایشی می‌تواند امکان اجرای محدود اما موثر را فراهم آورد. با این حال، نگرانی اینجاست که مبادا همین لایحه آزمایشی هم به سرنوشت نسخه کامل دچار شود: در قفسه‌ها خاک بخورد، یا در اجرا، ناقص و بی‌اثر باشد. نسخه آزمایشی اگر اجرا شود، باید با ضمانت‌های روشن اجرایی، تعریف دقیق از مصادیق خشونت، سیستم پشتیبان قضایی-پلیسی، و آموزش همگانی همراه باشد. در غیر این صورت، تنها تصویری فریبنده از حل بحران خواهد بود. بدون اصلاح ساختاری در آموزش عمومی، نظام تربیتی،



نهاد خانواده، و قوانین فقهی-حقوقی، مقابله با خشونت علیه زنان صرفاً یک شعار باقی خواهد ماند. چطور می‌توان از «خشونت‌زدایی» سخن گفت، در حالی که دختران در مدارس درباره حقوق برابر آموزش نمی‌بینند، خانواده‌ها نابرابری رفتاری نهادینه می‌شود و در استخدام، اغلب مزدی کمتر از همکار مردشان دریافت می‌کنند؟ خشونت علیه زنان، در ایران فقط فیزیکی نیست؛ یک خشونت فرهنگی و تاریخی است که در عمق نهادهای اجتماعی و سیاسی جا خوش کرده و رسانه آموزش گاه ناخواسته و گاه آگاهانه، آن را بازتولید کرده‌اند.

آنچه مانع تصویب لایحه می‌شود، نبود متن یا امکان فنی نیست. مشکل، در ذات سیاست است. خشونت علیه زنان، در اصل، خشونت است برای حفظ ساختارهای سلطه. بنابراین، تصویب این لایحه، تنها یک اقدام حقوقی نیست، بلکه مداخله‌ای است در ساختار قدرت. از همین روست که بخشی از بدنه سیاسی، این لایحه را خطری ایدئولوژیک می‌بیند. اما اگر سیاست‌گذاران، نگران اعتبار نظام اجتماعی هستند، باید بدانند جامعه‌ای که زنانش امنیت ندارند، دیر یا زود مشروعیتش به خطر خواهد افتاد.

زمان، همیشه به سود خشونت است

سکوت قانون در برابر خشونت، به معنای مجوز ضمنی آن است. جامعه‌ای که قربانیانش را تنها می‌گذارد، با بحران عمیق اعتماد روبه‌رو می‌شود. تصویب فوری لایحه مقابله با خشونت علیه زنان، نه فقط یک مطالبه حقوق بشری، بلکه ضرورتی برای ثبات اجتماعی، سلامت روانی جمعی، و حفظ سرمایه انسانی کشور است. اگر دولت و مجلس همچنان در بازی‌های جناحی باقی بمانند و به مسئله مهمی چون خشونت علیه زنان نگاهی فرا جناحی نداشته باشند، فردا بسیار دیر خواهد بود. هر روز تعلل، برابر است با زندگی‌های بیشتری که ویران می‌شوند، صداهایی که خاموش می‌شوند، و زخم‌هایی که دیگر با قانون هم درمان نخواهند شد.

باید پرسید: چند زن دیگر باید کشته شوند تا قانون بالاخره خشونت را در ابعاد و اشکال پیچیده و متنوع آن بررسی و جرم‌انگاری کند؟ و آیا تاریخ، این تعلل را یک اشتباه می‌نامد یا یک خیانت؟

بدلیل برداشت بی رویه آب های زیرزمینی نرخ فرونشست در البرز به ۲۶ سانتی متر رسید

معصومه امیغ پی روز گذشته با اشاره به این مسئله اعلام کرد: یکی از مناطق بحرانی فرونشست کشور از لحاظ نرخ و مساحت تحت تاثیر فرونشست و آثار مخرب ایجاد شده بر سازه‌های مسکونی فرونشست دشت هشتگرد استان البرز است. وی افزود: بر این اساس، پایش مستمر فرونشست این دشت

رئیس اداره ترازایی دقیق و تداخل سنجی راداری سازمان نقشه برداری کشور گفت: بر اساس آخرین محاسبات سازمان نقشه برداری کشور، گرچه روند کلی فرونشست در زمین‌های کشاورزی استان البرز روند کاهشی داشته است، شاهد افزایش نرخ فرونشست در شهرهای مهرشهر و نظرآباد به منظور تامین آب شرب و صنعت هستیم.

امیغ پی یادآور شد: مقایسه سری زمانی تولید شده از این نقشه‌ها می‌تواند در مدیریت این پدیده و همچنین بررسی اثر گذاری اقدامات انجام شده در جهت کنترل این پدیده نقش کلیدی داشته باشد. به نحوی که در سال آبی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ فرونشست مهرشهر کرج افزایش قابل توجهی داشته و به میزان بیشینه نرخ ۲۶ سانتی متر در سال رسیده است.

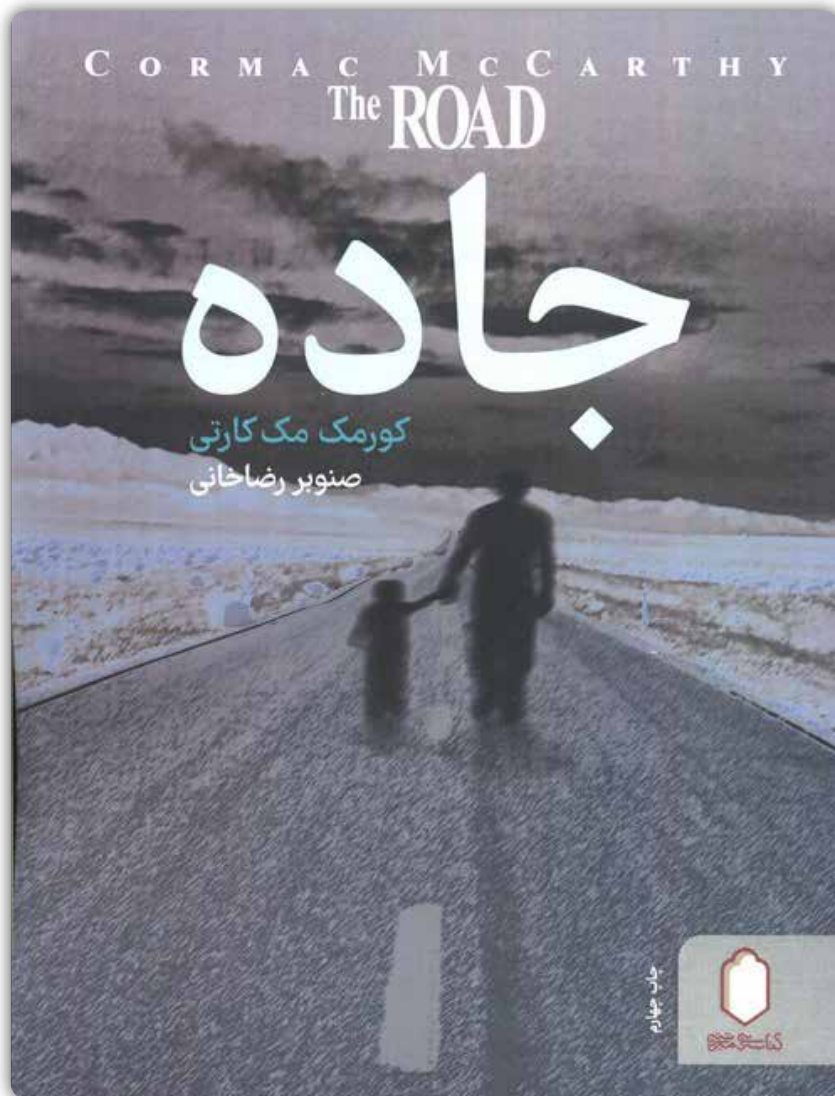


به مناسب روز صنایع دستی و «روز ملی فرش» بازدید از موزه فرش ایران در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هفته جاری (۲۰ و ۲۱ خرداد) رایگان است. به درخواست زهرا کمائی رئیس مرکز ملی فرش ایران و با موافقت علی دارابی قائممقام وزیر و معاون میراث فرهنگی کشور بازدید از موزه فرش ایران به مناسب روز صنایع دستی و «روز ملی فرش» رایگان است. بازدید از موزه فرش ایران در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه هفته جاری (۲۰ و ۲۱ خرداد) رایگان است. در این روزها مراسم ویژه‌ای با همکاری مرکز ملی فرش ایران و موزه فرش ایران در این موزه برگزار می‌شود. موزه فرش ایران در ضلع شمالی پارک لاله واقع شده و ساعت بازدید از آن در روز بیستم خرداد از ۹ تا ۱۵ و در روز بیست‌ویکم خرداد از ۹ تا ۱۷ است.

نگاهی پدیدارشناسانه به رمان «جاده» اثر کورمک مک‌کارتی؛

ادبیات در انحصار بقا

مهرناز رزاقی



وسایل مورد نیاز. با وجود تمام سختی‌ها، آن‌ها مصمم به زنده ماندن هستند و مدام به خود تأکید می‌کنند که «آدم‌های خوب» هستند. پسر در همه موارد از حس انسانیت خاموش‌ناپذیر خود پیروی می‌کند و همیشه می‌خواهد به باقی‌مانده‌های دیگر کمک کند تا زنده بمانند. عشقی که بین پدر و پسر وجود دارد، با وجود چالش‌هایی نظیر آدم‌خوارها و منابع محدود، در طول دوران سخت با قدرت ادامه پیدا می‌کند. هدف مرد برای زنده ماندن این است که پسرش را ایمن نگه دارد. «پسر بچه تمام چیزی بود که بین او و مرگ قرار داشت» (مک‌کارتی، ص ۲۵). پدر پیشنهاد می‌کند که برای زنده ماندن در پساآخرالزمان، نیاز به عشق‌ورزیدن به یکدیگر وجود دارد. او از پسرش در برابر هرگونه آسیب احتمالی که ممکن است برای او رخ دهد، محافظت می‌کند.

بنابراین اغلب عشق خود را به پسرش نشان می‌دهد. ایده بقا و تاب‌آوری بر کل رمان حاکم است. انعطاف‌پذیری این مرد و پسرش در این دوران سخت، با وجود چالش‌هایی که با آن مواجه بودند، باورنکردنی است. آن‌ها نفع‌نمای فیزیکی را نشان می‌دهند، بلکه سعی می‌کنند عقل خود را در برابر مشکلات حفظ کنند و تلاش می‌کنند تا برخی نجات‌های مشترک انسانی و عشق به یکدیگر را نیز حفظ کنند. ما شاهد تلاش‌های خلافت‌پدر برای استفاده از منابع محدود موجود برای زنده ماندن هستیم. آدم‌خوارها از رویکرد غیرقابل قبول بقا استفاده می‌کنند، که ممکن است در زمینه دیگری دیوانه‌کننده بنظر برسد، زیرا آن‌ها برای زنده ماندن مجبورند برخی از اصول مهم انسانی و اخلاقیات را کنار بگذارند. مرد خود را برای احتمال نجات پسرش از دست آدم‌خوار و کشتن او آماده می‌کند. از او می‌پرسد: «آیا می‌توانی این کار را انجام دهی؟ وقتی زمان فرا رسید؟... آیا می‌توانی آن جمجمه را با سنگ له کنی؟» (مک‌کارتی، ص ۹۶).

مک‌کارتی ادامه حیات آن‌ها را به‌عنوان فهرستی از شرایط بشدت تکراری تداعی می‌کند: از گرسنگی به‌میزان بیشتری از گرسنگی، از ناامیدی به امید، امنیت به خطر و بازگشت دوباره به آن. خواننده از لحاظ ظاهری آن‌ها را همراهی می‌کند، به این معنا که آن‌ها نیز یک اپیزود مشقت‌بار کوتاه را تجربه می‌کنند؛ هرچند به‌سختی و به همان اندازه ناخوشایند. روایت فاقد فصول گسسته است، بلکه مانند مجموعه‌ای از پاراگراف‌هایی کوتاه است که به‌دنبال یکدیگر می‌آیند. هیچ مهلتی جز پایان اجتناب‌ناپذیر وجود ندارد. هیچ «پیشرفت» واقعی هم وجود ندارد: خواننده نیز مانند مرد، هرگز به جایی نمی‌رسد، جایی برای رفتن نیست. آنچه در عوض وجود دارد، فقدان و لرز و عشق است که دقیقاً بیان شده است. مک‌کارتی نویسندگی قدرتمند است، با کنترلی دقیق بر سبک خود و شیوه‌ای که همیشه قبل از اینکه مخاطب از ریتم خسته شود، اتفاق جدیدی را به‌تصویر می‌کشد.

از جهتی دیگر، استدلالی قوی وجود دارد که «جاده» داستانی علمی تخیلی از نوع ادبیات گوتیک پیشرفته است. این موضوعی نیست که من آن را به اشتراک بگذارم، زیرا معتقدم که داستان علمی تخیلی هم گوتیک است و هم در حمایت از عقل‌گرایی، اما از زیبایی‌شناسی با ادبیات گوتیک تضاد دارد. از سوی دیگر، وحشت، در استفاده از مناظر وحشی و آب‌وهوا که منعکس‌کننده چشم‌انداز ذهنی شخصیت‌هاست، در هجوم چیزهای خارق‌العاده و ماوراءالطبیعی به جهان دنیوی، در معنای احساسات باردار، بوضوح ریشه در درون خود ادبیات گوتیک دارد. برای شروع، این یک جهان قابل توضیح نیست. ما هرگز

شوینهاور در مجموعه مقالات خود «هنر خواندن» را مطرح می‌کند. این هنر شامل عدم علاقه به هر چیزی است که امکان دارد در زمانی خاص، توجه عموم را به خود جلب کند. در نظر او، پیش‌شرط خواندن کتاب‌های خوب، نخواندن کتاب‌های بد است: «زیرا زندگی کوتاه است». رمان «جاده» هم بر روی این طیف «خوب» و «بد» در نوسان است. مک‌کارتی، جهان پسا‌آخرالزمانی را به‌تصویر می‌کشد که بر زیبایی‌شناسی‌ستیزی طبیعت استوار است. او رابطه‌ای نوآورانه با جزئیات برقرار می‌کند که ادبیات فیکشنال تا حد زیادی با آن غریبه است. ادبیات مک‌کارتی دیسپلین محور است، «جاده» خط صافی را دنبال می‌کند و به‌دنبال اتفاقی خارج از برنامه نمی‌گردد.

«جاده» نثری پویا و خلاقانه دارد، دیالوگ‌ها صریح و کوتاه هستند. مک‌کارتی از پاراگراف‌های طولانی اجتناب می‌کند، اما بخش زیادی از هر فصل کتاب را به توصیف فضا اختصاص می‌دهد. زمان در این رمان، درون فضا تعریف می‌شود، نه به‌عنوان یک عنصر مستقل. گذر سریع زمان هم بر جذابیت کتاب می‌افزاید و هم‌زمان روندی فرسایشی را برای خواننده ایجاد می‌کند. اولین عمل فیزیکی رمان مک‌کارتی، «جاده»، از مراقبت‌ها و عشق بی‌نهایت است: مردی در تاریکی از خواب بیدار می‌شود و دست دراز می‌کند تا نفس پسر خردسالش را بررسی کند. دستش با هر نفس گرانبهای او بالا و پایین می‌شود و تسکین شیرینی بر او چیره می‌شود. «جاده»، علاوه بر اینکه تصویر بی‌نظیری از یک منظره آخرالزمانی است، یک تمثیل مسیحایی نیز به‌حساب می‌آید. پدر و پسری که پیشگویانه در کنار رودخانه‌ها، در غارها، روی قله‌ی کوه‌ها و در سراسر بیابان راه می‌روند، اما هیچ جنبه شاعرانه‌ای در گفت‌وگوی آن‌ها وجود ندارد و در تضاد کامل با ریتم شگرف و تأثیرگذار کتاب مقدس قرار دارد که مانند نثر توصیفی کل فضا را احاطه کرده است، بی‌حرکت، ملایم، و بسیار تکراری.

داستان درباره سفر آن‌ها به جنوب شرقی ایالات متحده پس از وقوع یک فاجعه جهانی است. آن‌ها از طریق سرزمین‌های پرست‌انداز سفر می‌کنند. با زمین‌هایی مملو از اجساد پوسیده، خانه‌های متروکه، و شهرها و مناظر ویران‌شده توسط آتش، مواجه می‌شوند. پدر و پسر از معدود انسان‌های خوش‌شانس روی زمین هستند که هنوز توسط انسان‌های دیگر جاده به قتل نرسیده‌اند یا کسی به آن‌ها تجاوز نکرده است. آن‌ها برای زنده ماندن در این شرایط سخت زندگی مبارزه می‌کنند: بدون غذا، پوشاک، سرپناه و

در نهایت، رمان «جاده» با وجود

تمام حفره‌های خالی اش،

روایتی ست‌ویرانگر از امیدواری،

زمانی که تمام دلایل برای

امیدواری از بین رفته است.

همین روایتگری قدرتمند و بدون

کلیشه‌های دراماتیک، قدرت

مک‌کارتی در قصه‌گویی را

به‌خوبی نمایش می‌دهد.

را با چیزی غیر از تمرین مدرن گوتیک اشتباه بگیریم. مک‌کارتی نثر خود را با سادترین موارد ضروری مقایسه کرده است: دایره لغات محدود است، جملات مختصر هستند، و اغلب از علائم نگارشی صرف‌نظر می‌شود (بدون گیومه، ویرگول یا پرانتز. وی همچنین نقطه پایان را بر کاما ترجیح می‌دهد). چنین مختصاتی با تصورات ما از ادبیات گوتیک سازگار نیست. کتاب احساسات شدیدی را در مخاطب خود ایجاد می‌کند. این احساسات عمدتاً از جنس ترس‌اند، زیرا در طول خوانش رمان، ما به دنیایی می‌نگریم که از احساسات انسانی خالی شده است. در جایی که نه غذایی برای کشاورزی وجود دارد، و نه حیوانی برای شکار، ضرورت ساده و روزمره بقا بر حساسیت‌های اخلاقی می‌چرید.

در نهایت، رمان «جاده» با وجود تمام حفره‌های خالی‌اش، روایتی ست‌ویرانگر از امیدواری، زمانی که تمام دلایل برای امیدواری از بین رفته است. همین روایتگری قدرتمند و بدون کلیشه‌های دراماتیک، قدرت مک‌کارتی در قصه‌گویی را به‌خوبی نمایش می‌دهد. از تحولات پسر گرفته، تا مأموریت او - رستگاری دنیای مرده، زنده ماندن و فرار از مرگ؟ - تا پایان شاعرانه کتاب، همه، تأکید او بر اختصار و صراحت متن آشکار را می‌کنند: اما کمبود زیرساخت و پرداخت دقیق ایده، مانع شکوفایی ظرفیت کامل این رمان شده است و به‌نوعی آن را به اثری مبذل ساخته که پتانسیلش را تلف می‌کند و به اوج نمی‌رسد.

متوجه نمی‌شویم که آخرالزمان چه بوده است. تنها چیزی که می‌دانیم این است که همه حیوانات و گیاهان همراه با بیشتر انسان‌ها از بین رفته‌اند، خاکستر زمین را پوشانده، و زمستان هسته‌ای آغاز شده است. این یک وحشت منطقی نیست، منظره سیاه‌شده یک دنیای واقعی نیست، بلکه یک بیابان استریل است که برای بازتاب چشم‌انداز روان‌شناختی قهرمان داستان طراحی شده است.

در این منظره، ما سفر آهسته پدر و پسری را دنبال می‌کنیم که در جست‌وجوی گرما به سمت جنوب و دریا حرکت می‌کنند. این چه دریایی است؟ در چه منظره‌ای قدم می‌زنند؟ ما هرگز این‌ها را کشف نمی‌کنیم. شاید بتوانیم خلیج مکزیک و شرق ایالات متحده را فرض کنیم، اما واقعاً هیچ مدرکی برای تأیید چنین فرضیاتی وجود ندارد. و اگر این حقایق نامشخص باشند، این دو شخصیت حتی نامشخص‌تر می‌شوند. آن‌ها بی‌نام هستند، مرد فقط به‌عنوان «او» نامیده می‌شود، و پسر معمولاً «کودک» است. ما متوجه می‌شویم که همسر این مرد مدتی پس از آخرالزمان خودکشی کرده، اما چیز بیشتری راجعه آن‌ها نمی‌دانیم. مسلماً چنین دانشی به ادامه بقای آن‌ها بی‌ربط خواهد بود و این نکته مهمی در فهم رمان است. نویسنده همچنین انسان را به بومی خالی تبدیل می‌کند که ما خود را روی آن نقاشی می‌کنیم. در چنین خوانشی، «او» به «تو» یا حتی «من» ترجمه می‌شود.

شاید فقط بخاطر زبان است که ممکن است این رمان

متین بڑھان، مارا روسید کر د!

بشیر نعیمزادہ - رئیس ادارہ ثبت اسناد و املاک ساوجبلاغ

از خلقت شما متشکریم!

امیر اسدی

کریستیانو رونالدو دیشب که گل دوم پرتغال را به ثمر رساند و این تیم را مقابل اسپانیا به بازی برگرداند، جام قهرمانی لیگ ملت‌های اروپا را بالای سر برد تا نشان دهد همچنان جاه طلب است و تشنه موفقیت.

فوتبال، به همان اندازه که بی‌رحم است، زیبا هم هست. جایی که فاصله میان غم و شادی، تنها یک ضربه پنالتی است؛ برای پرتغال گل می‌شود و برای اسپانیا به هدر می‌رود. بی‌رحمی فوتبال یقه لاروخا را می‌گیرد و شادی به اردوی پرتغال می‌رود. جاذبه‌ی فوتبال همین است که بامداد دوشنبه در مونیخ و ورزشگاه آلیانز آرنا دیدیم.

آن نواهای طلایی-نقره‌ای که بر سر بازیکنان پرتغال فرود آمد، اشک‌های نوادگان اوزبیبوی افسانه‌ای، بغض آوارو موراتا، خوشحالی مادر رونالدو و در آخر بالا رفتن جام با دستان ستاره‌ای ۴۰ ساله، همه و همه حکم می‌داد به همین جمله‌ی معروف: «مگر زیباتر از فوتبال هم ورزشی هست؟»

نقش اول این قهرمانی پرتغال، نه دیگو کاستا بود که پنالتی موراتا را مهار کرد و نه روبرتو مارتینز که با ایده‌های نوگرایانه و مدرن، روی نیمکت پرتغال حضور داشت. چهره‌ی نخست کسی نبود جز کریستیانو رونالدو. اگر او نبود، چه کسی گل دوم و تساوی پرتغال را به ثمر می‌رساند؟ آیا پرتغال به بازی برمی‌گشت؟ آیا آنوقت تدابیر تاکتیکی مارتینز به بار می‌نشست؟ آیا ضربات پنالتی قهرمان را تعیین می‌کرد؟ آیا پرتغال جام را به خانه می‌برد؟ این‌ها همه و همه سؤال‌هایی است با یک جواب مشترک. نه؛ اگر رونالدو نبود هرگز.

نگاه بدبین‌ها به شرایط این روزهای رونالدو، نگاهی خصمانه، نقادانه و به دور از انصاف است. گروهی که معتقدند مرد سال فوتبال جهان در ادوار گذشته، فقط در قاره‌ی آسیا می‌درخشد و دیگر توانایی بازی در سطح اول فوتبال جهان را ندارد. وقتی می‌گوییم نگاه بدبینانه یا مبتنی بر ناعدالتی، همین است.

رونالدو اما فارغ از تمام این نقدها، گل دوم پرتغال را به شکلی زیبا و هوشمندانه به ثمر رساند. در کدام سطح؟ فینال لیگ ملت‌های اروپا. مقابل چه تیمی؟ اسپانیای مشهور با انبوهی از ستاره‌های ریز و درشت. اگر در آلیانز آرنا، مهمترین فوتبال ملی در قاره‌ی اروپا برگزار نمی‌شد، کجا برگزار می‌شد؟

اغلب ستاره‌ها تاریخ مصرف دارند؛ از ۳۰ سالگی که عبور می‌کنند، رفته رفته دوران افول‌شان فرا می‌رسد. آنوقت است که از سطح اول فوتبال باشگاهی در اروپا فاصله می‌گیرند، به لیگ‌های آمریکا یا آسیا کوچ می‌کنند و سال‌های پایانی را به دور از آن سختی‌های مداوم پشت سر می‌گذارند.

رونالدو شاید تصمیم به حضور در فوتبال آسیا گرفت اما در عرصه‌ی ملی نشان داد که سختی‌های طاقت‌فرسا را به جان خریده و قصد ندارد پا پس بکشد و کمر خم کند. او البته یک بار دیگر این جمله کلیشه‌ای را معنا کرد: «فوتبال سن و سال نمی‌شناسد».

در شبی که اشک‌های رونالدو، بیشتر از درخشش‌اش در زمین به چشم آمد، او اثبات کرد که تاریخ مصرف ندارد و همچنان در اوج است. بهترین ۴۰ ساله‌ی دنیا که از شکست فراری است و میانه‌ی خوشی با آن ندارد، می‌خواهد باشد و پرقدرت هم باشد؛ با بدنی آماده و رفتاری جاه طلبانه. او رونالدو است؛ تکرار ناشدنی و نمادی از اراده‌ی آهنین. الگویی ویژه برای نسل جوان و آن‌هایی که با کوچکترین اتفاقی، فوتبال را می‌پوسند و کنار می‌گذارند.

آقای رونالدو؛ به احترام شما می‌ایستیم؛ برای شمایی که همچنان ستاره‌ای و در آسمان فوتبال جهان می‌درخشی. خوشحال از خلقت شما و سرمست از تماشای تان.



ستاره سابق پرسپولیس شاگرد گل محمدی شد

وینگر سابق پرسپولیس به تیم فوتبال فولاد خوزستان پیوست.

سعید صادقی، وینگر سابق تیم فوتبال پرسپولیس با اعلام رسمی باشگاه فولاد خوزستان، به این تیم پیوست و از این پس باید زیر نظر یحیی گل محمدی روند خود را ادامه دهد. فولاد خوزستان که در روزهای پایانی لیگ بیست و سوم با گل دقایق پایانی ساسان انصاری از خطر سقوط گریخت و در لیگ باقی ماند، در لیگ بیست و چهارم با یحیی گل محمدی شرایط متفاوتی را تجربه کرد. فولاد به عنوان یکی از تیم‌های ناکام لیگ گذشته در زمره مدعیان این فصل قرار گرفت و حتی تا همین چند هفته پیش شانس کسب سهمیه آسیایی را داشت.



سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۳۱

دنیایک هوادار

ورزشی

درباره انتخاب سرمربی تیم ملی امید؛

نیش هوادار



هوادار را در لیگ برتر ننگه دارد (!) راهی المپیک شویم؟ آقای تاج! لطفاً در معاملات احتمالی با مجلس برای پوشاندن برخی حواشی تیم ملی که هنوز چیزی اثبات نشده- آینده فوتبال این سرزمین را به بهای مصلحت‌سازی سیاسی، تاریک نکنید!

خروجی فوتبال یا معامله مجلس!؟

مجید سعیدی

۲. اینکه روانخواه چهره‌ای جوان است و سابقه فعالیت در لیگ برتر را دارد، جای بحثی نیست؛ اما پرسش کلیدی این است که او با چه کارنامه و رزومه‌ای، شایسته ارتقاء به چنین جایگاه حساسی شده است؟ ۳. باشگاه هوادار دقیقاً چه نقشی در تصمیم‌گیری‌های کلان فوتبال ایران ایفا می‌کند که حالا باید سرمربی تیم ملی امید هم از دل همین تیم انتخاب شود؟ آیا معیار انتخاب، وابستگی‌های باشگاهی است یا منافع بزرگ‌تری در میان است؟

۴. وقتی تیم ملی امید ایران، طی نیم‌قرن گذشته با حضور نام‌هایی چون حسن آقا حبیبی، ذوالفقارنسب، شاهرخی، علی پروین، گده، قاسمپور، کوردس، مایلی‌کهن، بگووچ، فرکی، افاضلی، منصوریان، استیلی، خاکپور، وینگادا و کرانچار-همگی با سابقه و تجربه- نتوانسته سهمیه حضور در المپیک را کسب کند، امروز چگونه و با کدام چشم‌انداز می‌توان انتظار داشت با یک مربی جوان، که حتی نتوانست تیم

درباره انتصاب امید روانخواه به‌عنوان سرمربی تیم ملی امید، چه می‌توان گفت؟

آیا این تصمیم، حاصل خروجی فنی کمیته مربوطه است یا عوامل و ملاحظات دیگری در پشت‌پرده آن نقش داشته‌اند؟ درباره ترکیب و عملکرد اعضای کمیته فنی، همان‌طور که پیش‌تر نیز نقدهای جدی داشته‌ام، همچنان پرسش‌ها و ابهام‌های اساسی دارم که در روزهای آینده به‌روشنی درباره‌شان خواهم نوشت.

اکنون اما چند سؤال مشخص مطرح است:

۱. ادعای یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره دعوت‌شدگان به تیم ملی و مسائل حاشیه‌ای مرتبط با آن، تا چه اندازه می‌تواند در انتخاب امید روانخواه به‌عنوان سرمربی تیم ملی امید تأثیرگذار بوده باشد؟

در سایه روشن‌های فدراسیون تاج؛ امید بی‌کارنامه

علیرضا ناظری



انتصاب امید روانخواه به‌عنوان سرمربی تیم ملی فوتبال امید، موجی از پرسش‌ها، تردیدها و انتقادات را در فضای رسانه‌ای و فوتبالی ایران به‌دنبال داشته است. این انتصاب که در تاریخ ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ به تأیید رسمی فدراسیون فوتبال رسید، بیش از آنکه به‌عنوان یک تصمیم فنی تلقی شود، به‌عنوان یک انتخاب مسئله‌دار در فضای سیاسی و پرحاشیه فوتبال ایران تحلیل شد.

روانخواه که سابقه بازیگری در استقلال و سال‌ها مربیگری در تیم‌هایی چون سپیدرود، نیروی زمینی، سایپا، بادران، پیکان، پارس جنوبی و اخیراً هوادار را در کارنامه دارد، در فصل گذشته نتوانست تیم هوادار را در لیگ برتر حفظ کند و با این تیم به دسته پایین‌تر سقوط کرد. حال پرسش اینجاست: فردی با چنین کارنامه‌ای دقیقاً با کدام توجیه فنی به صندلی حساس سرمربیگری تیم ملی امید تکیه زده است؟ برخی مقامات فدراسیون، از جمله محمدرحمان سالاری، عضو هیأت‌رئیسه، مدعی‌اند این انتخاب با مصوبه قاطع هیأت‌رئیسه و مشورت با امیر قلعه‌نویی (سرمربی تیم ملی بزرگسالان) انجام شده و هدف آن، ساختن یک مسیر بلندمدت تا المپیک ۲۰۲۸ است. با این حال، همین فرد در گفت‌وگویی دیگر، از این تصمیم با عنوان «پاداش سقوط» یاد می‌کند و صراحتاً می‌گوید که از طریق رسانه‌ها از آن باخبر شده است. تناقضی که نه تنها اعتماد عمومی را به فرآیندهای تصمیم‌گیری در فدراسیون کاهش می‌دهد، بلکه نشانه‌ای از فقدان شفافیت و انسجام در سطح مدیریت فوتبال ملی است.

از سوی دیگر، ادعاهایی که از سوی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره فهرست بازیکنان دعوت‌شده به تیم ملی مطرح شده بود، به‌صورت ضمنی فضایی را رقم زده که برخی تحلیل‌گران آن را دخالت مستقیم نهادهای سیاسی در تصمیمات

فنی فدراسیون تلقی کرده‌اند. حال اگر انتصاب روانخواه نیز در این چارچوب و به‌عنوان یک امتیاز سیاسی یا تلاشی برای ساکت‌کردن برخی نمایندگان مجلس صورت گرفته باشد، آنگاه نه فقط استقلال فدراسیون، بلکه آینده تیم ملی امید نیز قربانی مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌مدت خواهد شد؛ اما شاید مهم‌ترین پرسش این باشد: تیم ملی امید در نیم‌قرن گذشته، با وجود حضور چهره‌هایی برجسته چون حسن آقا حبیبی، ذوالفقارنسب، علی پروین، گده، قاسمپور، کوردس، مایلی‌کهن، بگووچ، فرکی، افاضلی، منصوریان، استیلی، خاکپور، وینگادا و کرانچار، هیچ‌گاه نتوانسته به المپیک صعود کند. با چنین سابقه‌ای، چطور می‌توان انتظار داشت مربی‌ای که حتی موفق به حفظ تیم باشگاهی خود نشده، قرار است ما را به سکوی جهانی برساند؟

باشگاه هوادار که روانخواه تا همین چند ماه پیش در آن فعالیت داشت، چه نقشی در این تصمیم داشته؟ آیا فدراسیون فوتبال به خواست یا لابی نزدیکان این باشگاه تن داده است؟ یا این انتخاب، صرفاً محصول بدبختی‌های سیاسی و نوعی سازش با فشارهای بیرونی بوده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها ضروری است، چرا که در غیر این صورت، مرز میان انتخاب فنی و مصلحت‌گرایی سیاسی

بیش از پیش مخدوش خواهد شد. پیامد چنین انتصابی تنها یک انتخاب مربیانه نیست؛ بلکه یک زنگ خطر برای ساختار فوتبال پایه و ملی در ایران است. تیم ملی امید، محل تربیت و پرورش نسل آینده فوتبال ایران است؛ نه آزمایشگاه انتخاب‌های پرریسک و فاقد پشتوانه. وقتی تصمیمات فنی به ملاحظات غیرفنی آلوده می‌شوند، باید منتظر زنجیره‌ای از ناکامی‌ها، تضعیف انگیزه مربیان حرفه‌ای، و از بین رفتن اعتماد هواداران بود. راحل اما ساده است: شفاف‌سازی. فدراسیون فوتبال اگر انتخاب روانخواه را براساس دلایل فنی انجام داده، باید به‌صورت علنی گزارش این انتخاب را منتشر کند؛ شامل تحلیل عملکرد گذشته، معیارهای انتخاب، اهداف بلندمدت و نحوه ارزیابی جایگزین‌ها. در غیاب چنین شفافیتی، هر انتخابی به‌مثابه دسیسه‌ای پشت پرده تلقی خواهد شد و اعتماد عمومی به بدنه مدیریت فوتبال بیش از پیش فرو خواهد ریخت. در نهایت، این ماجرا فراتر از یک انتصاب ساده است. مسئله بر سر چشم‌انداز فوتبال ملی، احترام به عقلانیت فنی و جلوگیری از ورود سیاست به زمین بازی است. آقای تاج و دیگر مسئولان فدراسیون، اگر قرار است امیدی ساخته شود، نخست باید شایستگی را بر معامله، و شفافیت را بر بدبختی‌ها ترجیح داد.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ چاپ: کهن

■ شماره: ۳۴۴۹۹۲۵۵

■ تلفن: ۶

■ واحد: ۱

■ طبقه: ۲

■ پلاک: ۱

■ کوچه میثم

■ شمالی

■ بلوار جمهوری

■ کرج

■ نشانی:



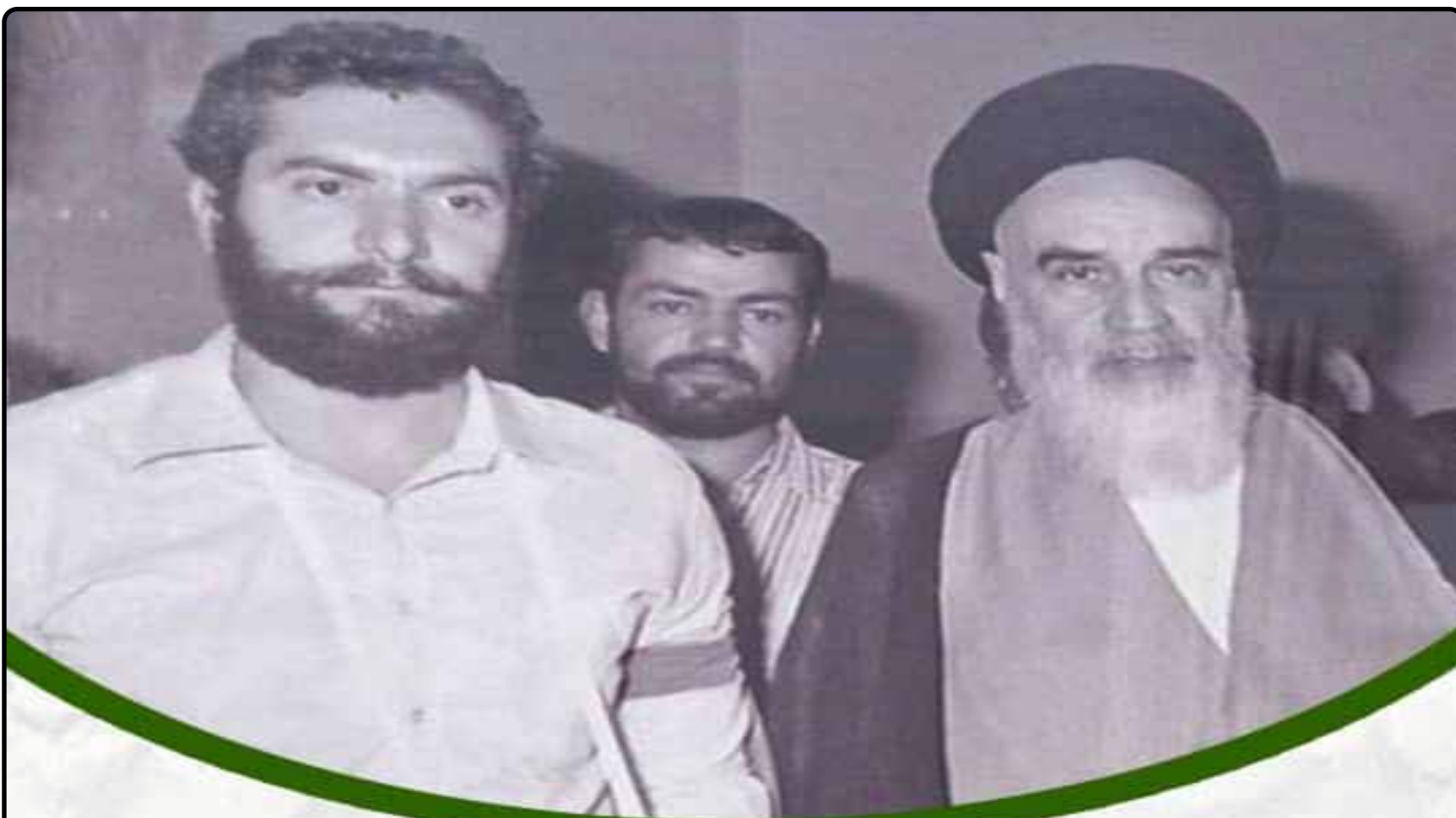
www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

سه شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

شمارگان ۱۸۲۱

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



مراسم چهلمین روز درگذشت پیشکسوت فرهنگ و هنر و رسانه

حاج حسین ایوبی

چهارشنبه ۲۱ خرداد ماه

ساعت ۱۰ صبح الی ۱۲

سالن گفتگوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز

حضور اصحاب فرهنگ و هنر و رسانه در این مراسم مزید امتنان خواهد بود



خازن مطبوعات و رسانه های استان البرز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی البرز



سازمان بسیج رسانه
استان البرز